آنست که امان ذمی دو قسمت یکی منصوص من عند الله که اخذ جزیه است دوم نقصان و زیادت آن که مفوض برای امامست اول را
حبل الله گفت و ثانی را حبل الناس پس تکمیل مذمت ایشان را میگوید وَبَاءُو بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ و بازگشتند بخشمی از خدای یعنی سزاوار
غضب الهی شدند وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ و زده شد بر ایشان زبونی و درویشی و علامت احتیاج یعنی احاطه کرده شد این نشان
بر ایشان همچون احاطه بیت مضروب بر اهل آن ذَٰلِكَ این که گفتیم از خواری و مسکنت و بازگشت بغضب حق
بِأَنَّهُمْ بواسطه آنست که ایشان كَانُوا يَكْفُرُونَ هستند که می پوشند و منکر و ند بِآيَاتِ اللَّهِ بآیات قرآن یا احکام توریة
یا معجزات محمد صلی الله علیه و آله و قول و وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ و می کشند پیغمبران را بِغَيْرِ حَقٍّ و فی نفس الامر قتل ایشان ناحق است
اما مراد آنست که بحسب اعتقاد ایشان نیز بغیر حق بود ذَٰلِكَ این کفر و قتل بِمَا عَصَوْا بسبب نافرمانی ایشان بود
یعنی این دو کبیره که انکار و دیدن آیتها و کشتن پیغمبران راه نما بواسطه آن بود که نافرمانی کردند وَكَانُوا يَعْتَدُونَ
و بودند که تجاوز میکردند از حدود خدای و در میگذشتند از احکام توریة در خواص تیسیر آورده که خاصیت این آیه با آیت سابق
بر و یعنی لن یضروکم تا آخر ظفر یافتن است بر عدو و مقهور ساختن او و چون آیتین را بر سپر یا شمشیر یا خود سنان نقش کنند
روز یکشنبه و در تر النظیم گفته که روز دوشنبه بساعت هشتم و باید که نقاش صالح و صایم باشد و دل و جامها از ناپاکیها
پاک بود حمل آن آلت و با آن ملاقات اعادی کردن سبب نصرتست و غلبه کردن با دو هزیمت او از صاحب آن سلاح
و عدم قدرت خصم بر حامل این آیه ای عزیز چون قبل از این بنی اسرائیل را منقسم ساخت بمؤمن و فاسق اینجا میگوید لَيْسُوا نیستند ایشان
اهل کتاب سَوَاءً برابر با کافران ایشان در اسباب نزول آورده که چون ابن سلام دولت اسلام دریافت و یاران او چون
ثعلبه و اسد و اسید در بیشه ایمان بجولان درآمدند یهود زبان عتاب برگشوده میگفتند ایشان از اشرار قوم بودند که خلاف اسلاف
کرده با ما مخالفت نمودند حق تعالی آیه فرستاد که هرگز نباشند یکسان مؤمن و فاسق مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ازین جماعت که خود
اهل کتاب دانند أُمَّةٌ قَائِمَةٌ گروهی اند ایستاده بر دین اسلام و ثابت بر طریق حق یا عادل یا قایم بحدود الهی و حقیقت آنست
که مستقیم اند بقول راست و عمل خالص و دین درست و این گروه اشارت با بن سلامست و اصحاب یا چهل مرد از عرب از اهل
نجران و سی و دو مرد از حبشه و هشت مرد از روم که بر دین عیسی بودند و بمحمد ایمان آوردند و اکرامت را یعنی طریقه دارند قائم
چنین بود که ذو امة یعنی بعضی از اهل کتاب خداوند طریق مستقیم اند و صفت ایشان همینست که يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ میخوانند
آیات قرآن را آنَاءَ اللَّيْلِ در ساعات شب وَهُمْ يَسْجُدُونَ و ایشان سجده تلاوت میکنند یا نماز میگذارند در آن ساعات
نزد بعضی علما غیر متعین است و گفته اند میان مغرب و عشاست که در و تطوع گذارند یا تلاوت قرآنست در دل شب که وقت
مناجات عاشقان خلوت جویست یا نزدیک سحر که محل اجابت دعای دوستان با برویست و اشهر آنست که نماز خفتن را
چه آن نماز پیش از این امت کس نبوده و در انوار میگوید که شبی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله تاخیر عشا کرده بود و وقتی که بیرون
آمد مردمان منتظر نماز بودند فرمود که بدانید که از اهل ادیان هیچ طایفه درین وقت خدا را یاد نمیکنند غیر شما و فی نفس الامر

شما

شب را با طایران دولت وصال خصوصیتی تمامست الیس کل حبیب بحبیبه خلوة حبیبه شب یار و غفلت بر دیده اهل غفلت شب
ذو گذارند و حجاب عیده و خروش از راه خلوتیان در نوشته دارند بیت خاموش شد عالم شب تا چیست باشی طلب زیرا که بانگ
عبده و تشویش خلوتگاه شد در شب اگرچه وحشتست اما حضور و وحدتست وحشت جهان وحدت که چون سوی حضرت راه شد ای عزیز
امت قایمه را توصیف میکند بفضایلی که یهود با ضد آن متصف اند ایمان قایمند بحق و ایشان منحرف از راه حق ایمان بآیات قرآن
منکر آیات آن ایمان شب خیزان متهجد آنان در شب غیر متعبد دیگر ایمان يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ایمان حقیقی آرند بخدای وَالْيَوْمِ الْآخِرِ و روز قیامت
را باور دارند و آنان عمر خود را در شرک میگذارند و بروز آخر چنانچه باید ایمان نمی آرند دیگر صفت ایشان يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ میفرمایند خلق را
بتصدیق محمد صلی الله علیه و آله یا بهمه معروفات شرع و آنان خلق را از متابعت شریعت باز میدارند وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ایشان نهی میکنند از تکذیب
پیغمبر یا از تمام منهیات و آنان خود در مقام تکذیب اند و دیگران را نیز بدان ترغیب مینمایند وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ و امت قایمه شتابند
در ادراک خیرات و ادای حقوق آن قبل از فوات و آنان از روی کاهلی قدم در راه خیر نمی نهند و از روی نفاق ادا در دین ای
لبید هذا ای عزیز خیرات عبارتست از اعمالی که رضای خدای بدان توان یافت و مسارعت در خیرات فرط رغبت در وی و حقیقت
هر که را رغبت در چیزی هر آینه در قیام بدان تعجیل کند و از تاخیر و تراخی انحراف ورزد و دانند که عمر در گذر است و ایام در شتاب
والفرصة تمر مر السحاب بزرگی فرموده که غافل مباش از شیع زدن قطعی ایام و بیقین بدان که الوقت سیف قاطع والناس نیام
بیت غافل مشو کار که فرصت غنیمتست و انفاس هر یک فرصت غنیمت است ساقی کریم و باده مصفا و جام پر نوش بکن
این خمار که فرصت غنیمتست وَأُولَٰئِكَ و آن گروه که موصوف اند بصفات مذکوره مِنَ الصَّالِحِينَ از جمله شایستگانند نزد خدای که بسبب
اصلاح احوال خود مستحق ثنای الهی شده اند وَمَا يَفْعَلُوا و آنچه میکنند این امت قایمه صالحان مِنْ خَيْرٍ از نیکویی که در آن مسارع اند
فَلَنْ يُكْفَرُوهُ پس هر آینه کفران سپاس داشته نخواهند شد یعنی عمل ایشان ضایع نخواهد گشت نقض ثواب آن گوان میگوید چنانچه
توفیه ثواب را شکر گفته و کان سعیکم مشکورا و اگر بخطاب خوانند مخاطب همه مؤمنانند وَاللَّهُ عَلِيمٌ و خدای داناست بِالْمُتَّقِينَ با اهل
پرهیزکاران بشارتست ایشان را به نیکوی جزا و تمام ثواب و اشعار باکه اصل همه خیرات تقوی است و چون مذکور در آیت سابق حالت
متقیان بود ایشان را اختصاص میدهد بعلم با آنکه علیم بهمه اشیاست بعد از ذکر مؤمنان اهل کتاب حال کافران ایشان که بمال و فرزند
مغرور و مستظهر گشته بر علما خود و جهة تحریف نعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله نفقه میکردند و آنرا موجب نجات از درکات تصور مینمودند بیان میفرماید
میگوید إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بتحقیق آنانکه کافر شدند بقرآن و محمد صلی الله علیه و آله چون کعب بن الاشرف و اصحاب او لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ باز ندارد از ایشان
أَمْوَالُهُمْ مالهای ایشان که برشوت میدهند علما خود را یا رشوت میگیرند از اراذل قوم خود وَلَا أَوْلَادُهُمْ و فرزندان ایشان مِنَ
اللَّهِ شَيْئًا از عذاب خدای چیزی را آنکه و تخصیص مال و ولد بیان مباهات ایشانست بدینها یا آنکه آدمی در دفع مضرات از نفس
خود متمسک بدو المست و معاونت اولاد و یا اینجاست با آنکه انفع جمادات مالست و انفع حیوانات ولد و هرگاه که کار بر خبر
اکبر النفع منتفع نشود و عدم انتفاع او بسایر اشیا بطریق اولی کما قال الله تعالی يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ وَأُولَٰئِكَ و آن گروه کافران

Copyright © King Saud University